

نوشته : ابو الفضل قاسمی

فجایع تاریخی اموی

پرچمدار سرخ اموی شکم حمزه را پاره کرد جگرش را خائید، از گوش و بینی و او گردن بند ساخت

بار دیگر تاریخ بطور جدی دونسل از خاندانهای اموی و هاشمی را بادو ایدئولوژی مفایر روبروی هم قرار میدهد، محمد نبیره هاشم در برابر نسلی از (امیه) قرار میگردد که شناخت مختصات روحی، خلق و خوی دشمنان محمد برای ما لازم است .

یکی از سران و رهبران اموی هند زن توانگر و رباخوار مکه برادر زاده امیه و همسر ابوسفیان امویست .

دختر ربیعہ از آغاز دختری خوشنام نبود، درباره او و مادرش حرفهای پراکنده و زیاد میزدند، او با هاشمیان بشدت دشمنی میکرد، (عقبه و شیبہ) برادرانش را به مبارزه و مخالفت با محمد بر میانگیخت .

دیدیم که ایندو نفر بودند نزد ابوطالب رفتند از سنت شکنی قومی و اعمال ضد ارتجاعی پیامبر شکوه کردند و همینها بودند که صحیفه تحریم هاشمیان را با مضای چهل نفر از قریش رسانیدند و سپس در کمیته ترور نقشه کشتن پیامبر را تدارک دیدند و همه جا سایه بسایه دنبال محمد (ص) بودند .

تاریخ با داوری درست
امویان را محکوم میکند
نیکسون (۱)

- ۳ -

بان یا هزار ماه سیاه

پرچمدار سرخ تازی !!

هند خواهران آنان سرمایه‌دار بزرگ بودستو بقول (شکسپیر) با ثروت
گناهان را ملامت‌ناخته بود ولی مردمیکه در بند جان و مال نبودند گاهی در
نشستهای نهانی از گذشته‌های پر ننگ و فحش‌های او و خاندانش گفتگو میکردند.
در (انساب‌النواصب) مینویسند مادر هند (حماة) نام داشت ، او را علم
سرخ‌ی بود ، در ذی‌المجاز آن علم را در بام خانه میزد ، چه در آنوقت زنان
ناباب را با آن علم میشناختند و هر گاه آن علم افکنده بود ، علامت آن بود
که کسی با او خلوت دارد و کاتبی نام کسانی را که با او مباشرت می‌نمودند
یادداشت میکرد و چون فرزندی بوجود آمدی آن فرزند را با آن‌زنان کاران
نزد کاهن میبردندی و آن فرزند را بهر که کاهن باو ملحق ساختی فرزند او
بودی (۲) .

و اما هند رسماً ابتدا با (ابوعمر و حفص مخزومی) که از ثروتمندان بنام
عرب بود ازدواج میکند ، ابوعمر و مردی انساندوست و با شرف و خوشقلب
بود و بهمین جهت مهمانسرای بزرگی در مکه ترتیب داده بود و در آن از

۱- تاریخ سیاهی اسلام جلد ۱ صفحه ۳۲۸

۱- نفایس‌الاخبار صفحه ۵۲۱

زائران و مسافران درمانده پذیرائی میکرد، غافل از اینکه هند ممکن است از این امکانات برای هوس دل و ارضای شهوات خود بهره گیری کند.

ابوعمر و روزی وارد خانه میشود، جوانی خوش سیمار می بیند که از اطاق خصوصی هند بیرون میاید، ابوعمر و وارد اطاق زنش میشود، همسرش را در وضعی مییابد که باو بدگمان میشود، او را از خانه خود بیرون میکند بخانه پدرش راهی میسازد.

تازیان پیش از اسلام بشرف و ناموس خانوادگی بادیده جاهلانه و منعبانه شدید مینگریستند.

شایعات خیانت هند بشوهرش خاندان ربیمه را بر آن میدارد برای خوشنامی و تظہیر دختر خویش اورا نزد کاهن بزرگ برند، از او بر بیگناهی هند داوری طلبند، کاهن بزرگ حق را به ابوعمر و داده هند را متهم بفحشا و خیانت میکند. (۱)

پدران معاویہ

ابوسفیان که جوان نوحاسته و جویای نام و مقام بود گویی هند را با این مختصات برای همسری (زن شایسته!) مییابد، از اینرو بدون اینکه منتظر طلاق رسمی ابوعمر و شود باهند ازدواج میکند.

اما ماجرای عقد نطفه معاویہ و آبتن شدن اوشگرف انگیزتر است. هند در خانه ابوسفیان با آزادی بیشتر دنبال هوس دل خود میرفت، (ابوسفیان در مسافرت تجاری بود یکسال و چهارماه بعد برگشت، بمکه آمده دید هند آبتن است، از او بازخواست شد، هند اقرار به عمل خود کرد. ابوسفیان بر شکم او چوب زد تا جنین سقط شود، بچه نیفتاد سه ماه بعد معاویہ متولد شد. نسب شناس نامدار هشام بن محمد السائب الکلبی در کتاب (مثالب) وصاحب کشف در (ربیع الابرار) مینویسد: عماره بن ولید بن مغیره مخزومی، مسافرین عمرا بی مغیره، صباح شوزان، ابوسفیان در یک ظهر بنزد هند مادر

۱- السیرة النبویة جلد ۳ صفحه ۹۶- تجارب السلف صفحه ۶۳- تاریخ کامل صفحه ۱۷۸- تاریخ الملامه ابن خلدون جلد ۵ صفحه ۷۶۷- تاریخ الامم و الملوك جلد ۲ صفحه ۱۳

معاویه رسیدند، هند آبتن شد معاویه را زائید. کلبی نسابه شافعی گوید در میان آنان هند را بگردن ابوسفیان بستند).

در حدیقه الشیبه و انساب النواصب هند را نیز مانند مادرش جزء علمداران سرخ مکه میدانند که خانهاش بروی همه جوانان باز بود و به سیاهان بیشتر از سفید بوستان میل جنسی داشت، ولی برای عدم افشای راز خود بیشتر عشاق خود را میکشت و نوزادهای سیاه را از بین میبرد. (زمخشری) دانشمند ترین علمای عامه در تأیید نظر عده‌یی از محققان معتقد است چون (صباح) جوانی وسیم و حسیم بود، هند بیشتر با او سر می‌کرد. از این رو گویند نه تنها معاویه بلکه عقیه برادرش نیز از تخمه این جوانک پرگار غصه پیچیده بود.

گروهی را نیز عقیده بر اینست که چون مسافر بن عمر زیباترین جوانان قریش بود و مراتب در بستر هند میکندانید، پد معاویه اوست (۱)

سایر فرزندان حسامه و خواهران و برادران هند از این فحشا بی بهره نبودند چه ثمالی (شیبه) برادر هند را نیز متهم به انحراف جنسی میکند (۲)

خاندان اموی بعد که بقدرت زیادی رسیدند، معاویه امپراطور بزرگ عرب میکوشید این رازها پوشیده ماند از افشاء و یاد آوری آنها ناراحت میشد (ابن عبدربه) مینویسد :

معاویه در اوج قدرت روزی با (ابوالجهم المدوی) درباره سن و سال یکدیگر بحث میکنند، ابوالجهم اشاره به شوهر پیشین مادر معاویه می‌کند، وی از این خاطره ننگین ناراحت میشود، او را از خشم خود بر حذر میدارد (۳)

هند دستش نیز چسبناک بود بهنگام اسلام آوردن ظاهری در مکه در حضور پیامبر به دزدی این شنیعت اخلاقی خود اعتراف میکند (۴) این بود خصوصیات خلقی زن رئیس خاندان امویان.

۱- تفایس الاخبار صفحه ۵۳۱ - اعلام‌الما جلد ۲

۲- لطایف المعارف صفحه ۹۹

۳- کتاب التاج الجاحظ صفحه ۸۹

۴- تاریخ کامل صفحه ۳۰۰

همینکه پیامبر به یثرب رفت هند و همسر و برادرانش با سایر امویان کوشیدند بهربهایی شده است محمد را نابود سازند، شبیه برادر خود را برس این سودا در جنگ بدر از دست داد.

وقتی نبرد احد پیش آمد هند در این نبرد نقش رهبری مؤثر بعهد گرفت، بار جز خوانی و حماسه سرایی! به آتش کین و ستیز دامن میزد.

برجسته ترین سرداران جنگی مسلمانان حمزه عموی پیغمبر بود، هند (وحشی بن حرب) یک برده آدمکش را تطمیع و با ده دینار ز سرخ آماده کشتن حمزه می کند.

وحشی در پرتاب زوین مهارت و معروفیت داشت، در تمام کشاکش جنگ در اندیشه اجرای نقشه جنایتکارانه خود سرانجام بر سر راه عموی پیامبر کمین کرد، بازو بین دو پهلوی حمزه را شکافت.

وقتی مژده شهادت حمزه را به هند دادند از فرط شادی هر چه زر و زیور بردست و گردن داشت به قاتل حرفه‌یی بخشید و دادن جایزه موعود زره‌های سرخ را بیازگشت به مکه موکول کرد.

هند رقص کنان و حماسه خواهان خود را به جنازه قهرمان بزرگ حق طلبان رسانید، شکم حمزه را دید، جگرش را بدر آورد، چون سگان هار بدهان برد، نتوانست آنها بخورد، بادندان خایید سپس دور انداخت.

گوش و بینی و زبان و بنوشته مورخان معروف (زرکلی، لسان‌الملک و ابو اسحق نیشابوری) او را برید، از آنها برای خود گردن بند ساخت بر گردن انداخت از اینرو به هند جگر خوار (آکله الاکباد) معروف شد (۱)

پیامبر از این وحشیگری زن پرچمدار سرخ ابوسفیان بسیار ناراحت و افسرده گردید خون او را مباح ساخت، هند از ترس جان متواری گردید، کمتر آفتابی میشد.

۱- الاعلام جلد ۹ صفحه ۱۰۵ - زینت المجالس صفحه ۱۴۰ - ناسخ

التواریخ جلد ۳ صفحه ۱۳۶ تاریخ ابوالفدا صفحه ۱۱۸ و ۱۳۹ - تاریخ

ایران زرکوب صفحه ۲۸۶

- ۴ -

ترور پیامبر !!

میثاق سیاه امویان بر اثر نفوذ پیامبر اسلام و انسان دوستی عده‌یی از سران قریش بهم ریخته شد، هاشمیان از محاصره بدر آمدند، اسلام بانبروی فعالانه خود شروع بنشو و نمارا گذاشت تلاش قدرتمندان و رباخواران ستمگر در این دیسه کاری از پیش نبرد، بوی دلاویز و آزادی بخش نسیم محمدی زنجیرهای بردگی و جهل و کفر را از دست و پا باز میکرد.

مکه از دیرزمان بر اثر موقعیت جغرافیایی و راه بازرگانی بین مصر و هند و یمن و حیره و کشورهای مجاور دریای مدیترانه مهمترین مرکز پول و سرمایه داری شده بود، بیشتر پولداران و توانگران خاورمیانه و رباخواران بی انصاف در مکه گرد آمده بودند تا جائیکه تیغشان میبیرید با وضع مقررات استثمارجویانه زالووار شیر حیات انسانها را میمکیدند (درهم بدرهم دینار بدینار) و یا بفرموده قرآن (اضعاف مضاعف (۱)) از مردم بهره میگرفتند.

وجود بت پرستی و بتخانه کعبه که مردم از دور و نزدیک بدان روی میآوردند عامل مهمی در نگهداری رژیم بردگی موجود بود، رباخواران با تقدیس بتها و حفظ سیستم ارتجاعی مکه بیرحمانه به غارت و چپاول مردم میپرداختند.

مردم از شدت نفرت آنانرا سگ ماهیان خونخوار (قرش یا قریش) مینامیدند که بالذتجویی سیمانه بتکه و پاره کردن انسانها دست میزدند. توانگران مکه با برداشت کار محمد دریافته بودند اگر جلو او را نگیرند باریشه گرفتن ایدئولوژی بندگسل اسلام تمام بدعتهای اشرافی و اصول بهره کشی ضد انسانی بهم خواهد ریخت، معیار زور و زرجایش را به تقوی و حق طلبی، برادری و برابری، داد و آزادی خواهد داد.

دستور مهاجرت مسلمانان مکه از سوی پیامبر و توجه بشهر (یشرب) قدرتمندان مکه را هار کرده بود چه میدیدند با کوچ زبده مردم مکه این شهر موقعیت اقتصادی و دینی خود را از دست میدهد سرچشمه در آمد آنان خشک خواهد شد.

با درگذشت خدیجه زنتنغدو پولدار و ابوطالب عمومی با شخصیت و

موجه، محمد بظاهروی هواخواهان نیرومند خود را از دست داده بود از اینرو دشمنان سخت بتکاپو و چاره‌جویی افتادند به پیشنهاد سران اموی (ابوسفیان و هندزن سرمایه‌دار او عقبه و شیبه برادرزندهای ابوسفیان و حکم پسر عموی ابوسفیان) بدسیسه پرداختند تا کاریکه پدر ابوسفیان و نیای او نتوانستند انجام دهند وی صورت دهد.

جلسه دراز و مهم (دارالندوه) درباره روشن کردن وضع محمد بطول انجامید پیشنهادات آتش زدن خانه، تبعید، حبس بدون خوراک، شکنجه و آزار، ترور فردی پیامبر رده شد، سر انجام این پیشنهاد فجیع اهریمنانه بتصویب رسید (از هر قومی يك جوان باید برگزید، باوشمشیر داد که همه جوانان یکباره مانند يك تن اورا زده بکشند، اگر چنین کنند خون او پایمال میشود (۱))
خانه سنت شکن ارتجاع تازی محاصره شد ولی ترور او به سپیده دم بامداد موکول گردید تا در جلو دیدگان همه همینکه محمد بیدار شد اورا در بسترش قیمه قیمه سازند. پیشگامان نقشه ترور خبر دادند مرغ در قفس است محمد در بسترش زیر عبای سبز خود خفته است ولی همینکه لحظه نیایش بامدادی رسید (برداخضر) از صورت محمد کنار رفت بجای محمد چشمشان به قیافه نوجوان با ایمان علی افتاد.

امویان مثل خوک تیر خورده بر خود پیچیدند، پسر ابوطالب را زیر مشت و لگد گرفتند، سپس بازداشت و بند کردند، نزد بزرگان قوم بردند، زندانی ساختند. دستجات تعقیب کننده متعدد تمام راهها و نقاط بین مکه و یثرب زیر نظر قرار داد، برای دستگیر کردن محمد جایزه تعیین شد تا پیش از آنکه رهبر انقلابیون مکه خود را به سنگرزمنندگان با ایمان حق برساند، خود را از دست او واندیشه هایش آسوده سازند (۲)
مانده دارد

۱- تاریخ کامل صفحه ۱۱۷

۲- تاریخ العلامه ابن خلدون جلد ۲ صفحه ۶۷۸، ۷۳۷- البدع والتاریخ

جلد ۳ صفحه ۱۶۸- تاریخ ابی الفدا صفحه ۱۳۲- اعلام الوری صفحه ۶۷ -

نسخ التواریخ صفحه ۲۲- تاریخ ایران صفحه ۲۸۶: زرکوب- تاریخ سیاسی

اسلام- تاریخ طبری ج ۳ صفحه ۱۲۲۹- احیاء العلوم ج ۳ صفحه ۲۲۳- تذکره

ابن جوزی صفحه ۲۱